

ایران دوستی و شیعه‌گرایی قاضی‌زاده اردبیلی در تاریخنگاری عصر سلطان سلیم اول عثمانی (حک: ۹۱۸-۹۲۶ق)

طاہر بابایی^۱

(دریافت مقاله: ۹۸/۰۶/۲۱، پذیرش نهایی: ۹۸/۱۰/۲۲)

چکیده

غزوات سلطان سلیم‌خان، نوشته قاضی‌زاده اردبیلی، کتابی است در باب حمله سلطان سلیم اول عثمانی به مصر و شام و سرنوشتی حکومت ممالیک (حک: ۶۴۸-۹۲۳ق) که ضمن اطلاعات مفید و منحصر تاریخی، ابعاد شخصیتی مؤلف را نیز تا حدی بازتاب داده است. از این اثر که به نام یکی از شیعه ستیزترین و ضد ایرانی‌ترین سلاطین عثمانی نگاشته شده است، تنها یک نسخه در کتابخانه حاجی سلیم آغای استانبول نگهداری می‌شود. مؤلف که در جنگ چالدران به اسارت سپاه عثمانی در آمد، در ثبت و ضبط اخبار و اطلاعات، گرایش‌های ملی و مذهبی خود را به شکل غیر صریح نشان داده است. در این پژوهش، با مطالعه اثر و احوال مؤلف، به بررسی رویکرد ایران دوستی و شیعی مؤلف در فضای فکری و عقیدتی قرن ۱۰ق در قلمرو عثمانی پرداخته شده و بازتاب این گرایش‌ها در چگونگی ضبط اخبار و گزارش‌های مربوط به ایران و جغرافیای آن، شخصیت‌های ایرانی معاصر مؤلف، اخبار صفویان، احادیث و اشعار مربوط به امام علی(ع) و سایر نشانه‌های مربوط به تشیع، شناسایی و بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: قاضی‌زاده اردبیلی، غزوات سلطان سلیم‌خان، تاریخنگاری عثمانی، تاریخ تشیع، تاریخ روابط صفویه و عثمانی.

مقدمه: وضع سیاسی و مذهبی دوره سلیم یاووز و نگارش سلیم‌نامه‌ها

سلطان سلیم اول گرچه یکی از قدرتمندترین سلاطین عثمانی شناخته می‌شود، با وجود قدرت‌نمایی‌ها و لشکرکشی‌های پیروزمندان، با بحران مشروعیت مواجه بود و این موضوع، تقریباً تمام اقدامات داخلی و خارجی او را تحت تاثیر قرار می‌داد؛ چندان که سلیمان قانونی جانشین او نیز، با چالش بزرگی در مشروعیت حکومت مواجه شد. بحران مشروعیت حکومت سلیم اول به اقدامات او در دوره کسب تاج و تخت باز می‌گردد. سلطان سلیم یاووز در اواخر حکومت بایزید دوم (حک: ۸۸۶-۹۱۸ق)، بر سر مسائل جانشینی، عصیان کرد و به‌رغم اراده سلطان عثمانی مبنی بر جانشینی فرزند ارشدش احمد، با پدر از در ناسازگاری در آمد (خواجه سعد الدین افندی، تاج التواریخ، ۱۳۹/۲-۱۹۹؛ صولاق‌زاده، ۳۲۵-۳۵۸). حمایت سپاهیان ینی‌چریان - به عنوان بخش قدرتمند دربار عثمانی - از سلیم، او را در موقعیت برتری نسبت به دو برادرش (احمد و قورقود) قرار می‌داد. بنابراین، او پس از رد درخواست دریافت سنجاقی^۱ در روم ایلی^۲ از سوی بایزید دوم، در سال ۹۱۷ق به جنگ پدر رفت، اما به سختی شکست خورد (خواجه سعدالدین افندی، همان، ۱۴۲/۲-۱۴۳، ۱۵۵-۱۶۲؛ لطفی‌پاشا، ۲۰۲). با وجود این شکست، با عصیان ینی‌چریان، رقبای تخت فرمانروایی کنار زده شدند و بایزید دوم به جبر کناره گرفت و سلیم در سال ۹۱۸ق بر تخت نشست (لطفی‌پاشا، ۲۰۲-۲۰۳؛ سهی‌بک، ۱۵). بایزید دوم اندکی بعد، در راه دیمتوقه درگذشت، که البته گذشته از بیماری و سالخوردگی سلطان برکنار شده، نقش سلیم در مسمومیت و مرگ او نیز در منابع بازتاب یافته است (قره‌چلبی‌زاده، ۳۹۷).

درگیری سلیم با خویشان خود برای کنار زدن آنان و جلوس بر کرسی سلطنت عثمانیان، دامنه‌ای گسترده یافت و به کشتار برادران و برادزادگان انجامید (صولاق‌زاده، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۶-۳۵۸؛ عالی‌افندی، گ ۲۲۵-ب-۲۲۸). این چنین، سلیم به سبب جنگ با پدر، دستیابی قهرآمیز به سلطنت، ظن دخالت در مرگ بایزید دوم و قتل برادران و برادرزادگان، به جرگه سلاطینی پیوست که به ناپسندترین صورت به قدرت رسیده‌اند. یکی از راه‌های پوشاندن بحران مشروعیت، می‌توانست مبارزه با شیعیان باشد؛

۱. اصطلاحی در تقسیمات اداری و سیاسی عثمانی که تا حدودی با «استان» تطبیق می‌کند.

۲. روم ایلی = بخش اروپایی قلمرو عثمانی. روم ایلی به تختگاه عثمانی بسیار نزدیک بود و نزدیکی به استانبول و حضور سریع در پایتخت، امتیاز بزرگی در تکیه به تخت سلطنت عثمانی به شمار می‌رفت.

زیرا در این زمان، در جانب شرقی قلمرو عثمانی، حکومت صفویان (حک: ۹۰۷-۱۱۳۵ق) بر سر کار آمده بود که از حیث سیاسی و مذهبی، عثمانیان را به چالش می‌کشید. تخاصم آشکار مذهبی و سیاسی شاه اسماعیل صفوی (حک: ۹۰۷-۹۳۰ق) با سلیم و شورش‌های علوی و شیعی آناتولی، سبب شد تا با اتهامات متعدد به صفویان، فتوای الحاد و ارتداد آنان را از علما بگیرند^۱ و بدین ترتیب، راه خروج سلطان سلیم از بحران مشروعیت سیاسی و مذهبی باز شود. همچنین، ثبت اخبار رویدادهای مربوط به اقدامات سلطان سلیم اول در چالش با پدر و برادران و حکومت‌های ایران و مصر در راه مشروعیت‌افزایی حکومت سلیم یاووز سبب پیدایش گونه‌ای ادبیات، یعنی سلیم‌نامه‌نویسی شد: سلیم‌نامه‌ها در واقع بیان حماسی پیروزی‌های سلیم در نبرد با پدر و برادران در راه کسب سلطنت و نیز نبردهای او با صفویان و ممالیک بود و آمیزه‌ای از حماسه و تاریخ است که به مشروعیت سلیم به خصوص در تصاحب تاج و تخت، یاری می‌رساند. اهمیت این بحران مشروعیت و ارتباط آن با شکل تاریخ‌نویسی چندان بود که حتی سلطان سلیمان قانونی هم، هزینه هنگفتی صرف حمایت از سلیم‌نامه‌نویسان کرد (نوریلدیز، ۱۳۹).

در دوره سلیم اول و سلیمان باشکوه، مؤلفانی نظیر اسحاق چلبی، ادریس بدلیسی همراه فرزندش محمد دفتردار، شگری بدلیسی، کمال‌پاشا زاده، جلال‌زاده مصطفی قوجه نشانچی، محیی، سجودی، سعدی بن عبدالمتعال، قاضی‌زاده اردبیلی، شعری، ادایی شیرازی و دیگران به نگارش سلیم‌نامه روی آوردند؛ هرچند که بیشتر این آثار پس از مرگ سلیم اول و با حمایت و توصیه سلیمان قانونی نگاشته شد (بابائی، ۱۶۱). از میان مهم‌ترین سلیم‌نامه‌ها، می‌توان به کتاب *غزوات سلطان سلیم‌خان نوشته قاضی‌زاده اردبیلی* اشاره کرد که تاکنون مفعول مانده و تنها یک نسخه از آن به دست رسیده است. در این پژوهش، گرایش‌های ایران‌دوستی و شیعی قاضی‌زاده اردبیلی با تکیه بر اثر تاریخی او به دست داده خواهد شد؛ به ویژه که این کتاب، در درگاه و با حمایت یکی از شیعه‌ستیزترین و ضد ایرانی‌ترین سلاطین عثمانی به رشته نگارش در آمد. پس از گردآوری اطلاعات مربوط به موضوع در نسخ خطی و منابع چاپ شده ترکی، فارسی و عربی و نیز مراجع مختلف، با تکیه بر شیوه مطالعه کتابخانه‌ای، ضمن

۱. برای اطلاع در خصوص کیفیت صدور فتوای الحاد صفویان شیعی مذهب، نک: عبادی، ۳۵-۴۰.

معرفی مؤلف و اثر، به دو پرسش اصلی زیر پاسخ داده می‌شود: ۱. گرایش‌های ایرانی قاضی‌زاده اردبیلی در غزوات سلطان سلیم‌خان چگونه بازتاب یافته است؟ ۲. چگونه می‌توان به گرایش‌های شیعی قاضی‌زاده اردبیلی در نگارش اثر تاریخی‌اش پی برد؟ هم‌زمان با قاضی‌زاده اردبیلی، ایرانیان دیگری نیز در قلمرو عثمانی به تاریخ‌نویسی پرداختند: ادريس بدلیسی در هشت بهشت و سلیم‌شاهنامه، محمد الدفتری در جریده اعصار و خریدۀ اخبار، مصلح‌الدین لاری مرآت‌الادوار و مرقات‌الاعخبار، ادایی شیرازی در سلیم‌نامه و فتح‌الله عارف در شاهنامه خاقانی. هیچ‌یک از ایشان، به اندازه قاضی‌زاده گرایش‌های ایرانی و شیعی خود را به این شکل و حجم بازتاب نداده‌اند و از این حیث، قاضی‌زاده را می‌توان استثناء به شمار آورد. جز معرفی کوتاه قاضی‌زاده و اثر او در رساله دکتری طاهر بابائی با نام نقش نخبگان حکومتی ایرانی در قلمرو عثمانی در دوره سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ ق) و سلیمان قانونی (حک: ۹۲۶-۹۷۳ ق)، پژوهش درخوری در باره شخصیت قاضی‌زاده اردبیلی و اثر او انجام نشده است.^۱

۱- قاضی‌زاده اردبیلی و غزوات سلطان سلیم‌خان

در سده ۱۰ ق، با برآمدن صفویان شیعی مذهب در ایران و در مجاورت حکومت عثمانی که بر اسلام سنی تأکید می‌کرد، نبرد میان دو حکومت صفوی و عثمانی قابل پیش‌بینی بود؛ نبردی که در سال ۹۲۰ ق در چالدران روی داد، برای هر دو حکومت پیامدهایی داشت (بابائی، ۲۳۵-۲۴۱). در کنار برآیندها و پیامدهای نبرد چالدران، کوچ اجباری و اسارت نخبگان ایرانی حاضر در تبریز، در تقویت ابعاد مختلف فرهنگی، هنری و تاریخ‌نویسی حکومت عثمانی مؤثر بود (همان، ۲۴۰). قاضی‌زاده اردبیلی، ظهیرالدین کبیر بن اویس، از ایرانیان اسیر در قلمرو عثمانی بود و چون پدرش، شیخ کبیر، به کار قضاء اشتغال داشت، شهرت قاضی‌زاده یافت (طاشکپری‌زاده، ۲۷۱/۱؛ ریاحی، ۱۷۲؛ تربیت، ۲۴۹). نامش گاه با نام جدش محمداللطیفی و گاه با نام فرزندش محمد بن قاضی‌زاده درآمیخته، چندان که سبب اشتباه مؤلفان بعدی شده و تشخیص نقش او را دشوار کرده است. از میان نام‌ها و لقب‌هایی که به او نسبت داده شده است می‌توان به این موارد

۱. بابائی، طاهر، نقش نخبگان حکومتی ایرانی در قلمرو عثمانی در دوره سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ ق) و سلیمان قانونی (حک: ۹۲۶-۹۷۳ ق)، رساله دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۵.

اشاره کرد: اظهرالدین کبیر بن اویس بن محمد اللطیفی (حاجی خلیفه، ۲۰۱۸/۲)، ظهیرالدین اردبیلی (عالی‌افندی، گ ۳۷۳ ب)، ظهیر کبیر (میرزا حبیب اصفهانی، ۶۲) و شمس‌الدین محمد لطیفی مشهور به قاضی‌زاده اردبیلی (حکیم‌شاه، ۳۹۵). حاجی خلیفه ضمن اشاره به ترجمه‌های و فیات الاعیان ابن خلکان، قاضی‌زاده را با نام ظهیرالدین و اظهرالدین، دو نفر تلقی کرده، اما افزوده است: «شاید این همان اظهر الدین اردبیلی باشد الله تعالی اعلم» (حاجی خلیفه، ۲۰۱۹/۲).

قاضی‌زاده در غزوات سلطان سلیم‌خان، خود را «بنده کبیر کثیرالتقصیر الشهیر بقاضی‌زاده» (قاضی‌زاده، غزوات، گ ۱ الف) و در ترجمه و فیات الاعیان، «الفقیر الی الله الغنی کبیر بن اویس اللطیفی عفی الله الشهیر بقاضی‌زاده» (همو، ترجمه و فیات الاعیان، گ ۱ ب) معرفی کرده است. بنابر گزارش‌ها، او دانش اندوخته ایران بود (ابن‌عماد حنبلی، ۱۰/ ۲۴۰؛ طاشکپری‌زاده، ۲۷۱) و چون سلطان سلیم اول - پس از نبرد چالدران - وارد تبریز شد، قاضی‌زاده را که اسیر شده بود، با خود به استانبول برد و برای او مقرری روزانه تعیین کرد (عالی‌افندی، همانجا؛ مستقیم‌زاده، ۳۶۹؛ نشانچی، ۳۱۱؛ پچوی، ۵۰/۱). قاضی‌زاده اردبیلی، نزد سلیم اول جایگاهی یافت و به عنوان مورخ در لشکرکشی سلیم به مصر حاضر بود، اما در دوره سلیمان قانونی و در سال ۹۳۰ق، با شورش احمدپاشا - نایب السلطنه مصر - همراهی کرد و کشته شد (پچوی، همانجا؛ تربیت، ۲۴۹-۲۵۰). آثار قاضی‌زاده، غزوات سلطان سلیم و ترجمه و فیات الاعیان ابن خلکان هر دو به زبان فارسی است و می‌دانیم که او در فنّ انشاء، خط و شعر نیز دستی داشت (طاشکپری‌زاده، ۲۷۱-۲۷۲).

مهم‌ترین اثر قاضی‌زاده، کتاب تاریخ او در باب تسخیر مصر به دست سلیم اول است، به ویژه که خود از نزدیک شاهد وقایع بود. تنها نسخه شناسایی شده غزوات سلطان سلیم‌خان، در کتابخانه سلیمانیه استانبول، بخش حاجی سلیم آغا (شماره ۸۲۵)، در ۲۳۷ برگ و به خط نستعلیق کتابت شده است. قاضی‌زاده اردبیلی به روایتی شاگرد ادیس بدلیسی بود (مستقیم‌زاده، ۳۶۹) و شیوه نگارش غزوات سلطان سلیم‌خان، با نثر هشت‌بهشت شباهت دارد و از منابعی نظیر روزنامه حیدر چلبی بهره برده است. اثر قاضی‌زاده را به سبب آن که مؤلف در لشکر فاتح مصر حضور داشته و وقایع را از نزدیک مشاهده و ثبت کرده است، می‌توان مهم‌ترین منبع در باب فتح مصر قلمداد کرد؛ چندان که حتی بر بدائع الزهور فی وقائع الدهور ابن ایاس نیز برتری داد. غزوات سلطان

سلیم‌خان، اخبار عثمانی را از هفتم ربیع‌الاول سال ۹۲۲ق تا بازگشت سلیم به استانبول در پنجم جمادی‌الاول سال ۹۲۴ق در بر می‌گیرد. از ویژگی‌های این اثر می‌توان به این موارد اشاره کرد: نثر شیوا و منشیانه و سرشار از سجع و آرایه‌های ادبی، اشعار فارسی و عربی، احادیث، توصیف‌های بسیار زیبا، امثال عربی و آیات قرآنی، توصیف منازل و شهرهای طول مسیر با جزئیات بسیار، اصطلاحات حکومتی، تفصیل در شرح نبرد مرج دابق و نبردهای متعدد سلیم با طومان بای، شرحی در باب بسیاری از صاحبان مناصب، امرای سپاه و شخصیت‌های برجسته، ذکر مناصب ممالیک منشیانه.

۲- گرایش‌های ایرانی قاضی‌زاده در غزوات سلطان سلیم‌خان

رویکرد قاضی‌زاده اردبیلی در این اثر در چند زمینه قابل شناسایی و بررسی است. در این مقاله، دو محور اصلی، بررسی رویکرد قاضی‌زاده در باب ایران و تشیع است. نگرش او به ایران را در دو بُعد می‌توان بررسی کرد: ۱. نام ایران و و نام‌های مشابه آن و برخی مشخصه‌های ایرانی؛ ۲. شخصیت‌های ایرانی که به تناسب ضبط اخبار از آنان یاد کرده است.

۱-۲. واژه ایران و عجم و برخی از مشخصه‌های ایرانی در غزوات سلطان سلیم‌خان

در دوره عثمانی، از ایران غالباً با تعبیر «عجم» یاد می‌کردند^۱ و در کتاب قاضی‌زاده، این تعبیر بارها به کار رفته است، گاه در اشاره به صفویان و گاه سرزمین ایران و در حوادث نبرد سلطان سلیم: «عجم» (برای نمونه: قاضی‌زاده، غزوات، گ ۷ الف و گ ۲۵ الف)، «دیار عجم» (برای نمونه: همان، گ ۶ ب، گ ۱۳ الف و گ ۲۹ ب)، «ملک عجم» (برای نمونه: همان، گ ۳۰ الف و گ ۴۶ الف)، «دیار و امصار اعجام» (برای نمونه: همان، گ ۲۰۲ الف)، حتی «کشور مفسد ظلام اعجام» (برای نمونه: همان، گ ۲۱۹ ب)، «دیار اعجام» (برای نمونه: همان، گ ۲۳۳ ب)، «ملک ایران عجم» (برای نمونه: همان، گ ۲۱۳ الف)، «ایران» (برای نمونه: همان، گ ۹۳ ب، گ ۲۱۶ الف)، «ملک ایران» (برای نمونه: همان، گ ۷ الف، گ ۱۰ الف)، «مملکت ایران» (برای نمونه: همان، گ ۲۳۳ الف) و «ممالک ایران» (برای نمونه: همان، گ ۱۴ ب، گ ۴۸ الف). مجموع این اسامی و ترکیبات ۳۷ بار در متن کتاب به کار رفته است. حال آنکه گرچه غزوات سلطان

۱. در دوره محمد فاتح، شاعری به نام لالی خود را «عجم» خواند و امتیازات بسیار کسب کرد، اما پس از مدتی پی بردند که «متعجم» است و تمام امتیازات را از او گرفتند (سپه‌یک، ۷۳).

سلیم‌خان اساساً بخش مهمی از تاریخ عثمانی در قرن ۱۰ ق است، تنها ده بار در آن نام عثمانی، به عنوان حکومت و قلمرو و مانند اینها آمده است، همچون: «عثمانی» (برای نمونه: همان، گ ۶۳ الف، گ ۲۰۲ الف)، «عثمانیه» (برای نمونه: همان، گ ۴۵ ب، گ ۹۹ ب) و «آل عثمان» (همان، گ ۲۱۴ الف). این میزان توجه و اشارات مکرر به سرزمین ایران، حدود چهار برابر اشاره به عثمانی، می‌تواند نشانه‌ای از علاقه پوشیده مؤلف به ایران باشد؛ چندان که در اخبار مربوط به ایران و پیروزی عثمانی بر صفویان، غالباً به جای «فتح» واژه «تسخیر»^۱ را به کار برده است؛ در حالی که در خصوص سرزمین شام و مصر در کنار واژه تسخیر، به کرات واژه فتح آمده است.

نگاه قاضی‌زاده به ایران را می‌توان از لحاظ دیگری نیز بررسی کرد. قاضی‌زاده در ذکر اصطلاحات مربوط به تشکیلات حکومتی یا توصیفات، تا حد امکان از به کار بردن تعابیر تشکیلات حکومت عثمانی که کامل‌تر و غنی‌تر از تشکیلات حکومتی صفویان بود، پرهیز کرده و از اصطلاحات رایج در دستگاه صفویان بهره برده است؛ ماند قراوول، هراوول، چرخچی، جنداوول (قاضی‌زاده، همان، گ ۵۹ ب)، جونغار و برنغار (همان، گ ۱۳۸ ب)، الکا (همان، گ ۵۶ الف)، قورچیان خاص (همان، گ ۱۳۸ الف)، سفره‌چی، ایشیک‌آقاسی (همان، گ ۱۴۳ الف)، مجلس بهشت آیین (همان، گ ۱۲۰ الف)، دولتخانه معلی (همان، گ ۱۲۰ الف) و دارالسلطنه تبریز (همان، گ ۲۳۳ ب)، که در تشکیلات حکومتی عثمانی با تعابیر دیگری از آنها یاد می‌شد. علاوه بر این، اشاره او به کالاهای معروف برخی شهرهای ایران^۲ و نیز اختصاص نوروژ به ایرانیان با لفظ «نوروژ عجم» (همان، گ ۳۴ الف) از دیگر نشانه‌های توجه قاضی‌زاده به ایران و ایرانیان است.

۲-۲. ایرانیان در غزوات سلطان سلیم‌خان

در اثر قاضی‌زاده، ضمن مطالب، ابیات بسیاری از شاعران ایرانی آمده است، همچون حافظ، سعدی، فردوسی، مولوی، نظامی، مسعود سعد سلمان، سلمان ساوجی، ظهیری فاریابی، اسدی طوسی، عطار نیشابوری، کمال خجندی، خاقانی شروانی، اوحدالدین انوری، جامی، اوحدالدین اصفهانی، گرچه در متن فقط از سه تن از شاعران قدیم ایرانی،

۱. تسخیر ممالک ایران (قاضی‌زاده، همان، گ ۱۴ ب)، تسخیر دیار عجم (همان، گ ۲۹ ب).

۲. «... کتب نفیسه و اقمشه یزدیه و فرش لطیفه کرمانیه و فیروزجات باهرة نیشابوریه و لؤلؤ زاهرة عدنیه و لاجورد خالص بدخشیه و کمر مرصع به جواهر زواهر...» (قاضی‌زاده، همان، گ ۲۱۸ الف).

یعنی نظامی،^۱ فردوسی^۲ و اوحدالدین کرمانی^۳ آشکارا نام برده شده است. قاضی زاده، به مناسبت به ایرانیان معاصر خود نیز که در قلمرو عثمانی حضور داشتند، پرداخته و وصفی از آنها به دست داده و گاه به تفصیل گراییده است، اما در وصف برخی از امرای بزرگ عثمانی که در لشکرکشی‌ها حضور داشته‌اند، چنین توصیفات دیده نمی‌شود. از جمله ایرانیان، حافظ^۴ محمد اصفهانی است، که همراه قاضی زاده پس از جنگ چالدران از ایران به قلمرو عثمانی کوچانده شد و در حمله به مصر نیز سلطان سلیم یاوز و قاضی زاده را همراهی می‌کرد. او جد خواجه سعدالدین افندی (شیخ الاسلام و مورخ بزرگ دربار عثمانی) بود و در سلیم‌نامه^۵ خواجه به او اشاره است (خواجه سعدالدین افندی، سلیم‌نامه، ۶۰۶/۲). قاضی زاده به مناسبت یادی از تلاوت حافظ محمد در محضر سلیم، او را چنین وصف کرده است: «...خصوصاً نغمه داودی الحان حافظ شمس‌الدین محمد اصفهانی که در تجوید قرائت ثامن قراء سبعه و در ترتیل و لطف تلاوت فرید و وحید زمان خود بود و صیت صوت و آوازه اخلاق کریمه حسنش در اوج حسینی چون نوروز عجم در حجاز و عراق شهره انفس و آفاق گشته، التذاذ و احتیاط تمام یافتند» (قاضی زاده، همان، گ ۳۴ الف).

یا ادایی شیرازی (م ۹۲۸ق) سلیم‌نامه‌سرای عثمانی که او نیز از مهاجران همین دوره بود. ادایی گرچه بر بسیاری از شاعران معاصر خود برتری داشت، کمتر نامی از او در تذکره‌ها و کتب تراجم آمده است (سلیمان زاده، ۷۸). مولانا محمد ملقب به ادایی شیرازی (ادائی شیرازی، ۲۰۰۷) که حاجی خلیفه ذیل سلیم‌نامه، او را «ادایی فارسی» خوانده و شمار ابیات کتابش را ۲۵۱۷ بیت برآورد کرده است (۱۰۰۱/۲)، سلیم‌نامه منظوم خود را در قالب مثنوی و به سبک و وزن شاهنامه فردوسی، به زبان فارسی و به

۱. «...چنانچه مقال سحر حلال حضرت قدوة ارباب کشف و حال شیخ نظامی قدس سره مبین نظام این احوال است...» (قاضی زاده، همان، گ ۶۹ الف).

۲. «فردوسی: صبح چراغ فلک افروز شد - کحلی شب قرمزی روز شد» (قاضی زاده، همان، گ ۱۵۳ الف) که البته این بیت به شکل: صبح چراغی سحر افروز شد / کحلی شب قرمزی روز شد از نظامی است (نظامی، ۵۴).

۳. «...حضرت عارف صمدانی شیخ اوحدالدین کرمانی صادر شده، ثمره نهال آمال و امانی بود، تقریباً للمناسبه به ایراد آن جرأت نمود. نظم: تخت را استواری از عدل است / پادشه را سواری از عدل است» که البته این اشعار از اوحد الدین اصفهانی معروف به اوحدی یا مراغی است که از پیروان ابوحامد اوحد الدین احمد کرمانی بود و به سبب همین پیروی، عنوان اوحد الدین و لقب اوحدی برگزیده بود.

۴. به سبب حفظ قرآن، حافظ خوانده می‌شد.

نام سلطان سلیم اول سرود (ادائی شیرازی، ۲۰۰۷). قاضی‌زاده ضمن درج ابیاتی از سلیم نامه او، ادایی را چنین وصف کرده است: «... و چون از بوستان داستان جناب فصاحت شعاری، بلاغت دثاری، مولانا ادایی شیرازی که اداء دلپذیرش متصدی انتظام و ترتیب تاریخ حضرت اعلی کشورگشایی به نظم نظیم بود، نوباوه این ابیات که در این مقام ایراد نموده بود، مقبول طبایع سلیمه بود، مرقوم افتاد...» (قاضی‌زاده، همان، گ ۱۵۰ ب).

شخصیت ایرانی دیگر، حلیمی خواجه یا لطف‌الله بن یوسف حلیمی^۱ است که در دوره محمد فاتح از ایران به قلمرو عثمانی کوچید (ثریا، ۲۴۱/۲؛ ریاحی، ۲۱۴).^۲ او که از ندیمان سلیم بود و در نبرد چالدران، وی را همراهی می‌کرد، در سال ۹۲۲ق در شام درگذشت و سلطان سلیم بر جنازه‌اش نماز گزارد (بروسه‌لی، ۲۷۳/۱؛ ثریا، همانجا). قاضی‌زاده گرچه به مناسبت، چندین بار از او یاد کرده (قاضی‌زاده، همان، گ ۸۵ الف، گ ۸۹ ب)، در ذکر مرگ او، وصفی بلیغ با تفصیل (حدود شش صفحه) از وی به دست داده است: «حضرت جلیس الوحده انیس الخلوه، حلیماً لسماء الرفعه و العزه که عارضه موحش و حادثه مؤلم ذات شریف او را بعد از وفات برادر مرحومش به سه روز به تاریخ هشتم شوال سنه ثلاث و عشرين و تسعمائه، روی نمود، کوه حلم و وقارش که به هیچ گونه از حوادث زمان متزلزل نشده و نمی‌شد، از تاب آن تب متغیر شد... نداء ارجعی را لبیک زنان، قایل و مستقبل و سعیدک گویان، حاضر و مستعجل بود... موالفت و ملازمت مجلس اطهر اقدس حضرت اعلی را به موالفت و مراقفت کروییان عالم اقدس و معتکفان زوایاء انس تبدیل نمود... انالله و انالیه راجعون و الصلوه علی محمد کلمه ذکره الذاکرون و کلمه غفل عن ذکره الغافلون و الحمد لله رب العالمین» (همان، گ ۲۰۸ الف - گ ۲۱۰ ب). یکی دیگر از شخصیت های ایرانی حاضر در لشکرکشی به مصر، محمدچلبی دفتردار^۳، پسر ادریس بدلیسی بود که نام او بارها در کتاب غزوات آمده است (برای نمونه: نک. قاضی‌زاده، همان، گ ۸۶ ب، گ ۹۷ الف، گ ۱۴۶ الف). او از بزرگترین دفترداران عثمانی بود و گرچه قاضی‌زاده هرگز از او بدگویی نکرده است، اما از او وصفی

۱. بغدادی، نام او را لطف‌الله بن ابی یوسف المدعو چلبی ضبط کرده است (۴/۴۹۴).

۲. به‌رغم شهرت به ایرانی بودن، بروسه‌لی برای کاستن از شمار ایرانیان کتاب خود، او را دارای اصلتی از سیواس و متولد آماسیه خوانده است (بروسه‌لی، ۲۷۳/۱).

۳. ابوالفضل محمد دفتردار یا الدفتری (م ۹۸۲ق) پسر ادریس بدلیسی که در دوره سلیم اول، سلیمان قانونی و سلیم دوم از دفترداران عالی‌رتبه عثمانی بود.

درخور جایگاه وی نیز به دست نمی‌دهد. با توجه به اینکه قاضی‌زاده حتی یک بار هم به ادريس بدلیسی اشاره نکرده، می‌توان دریافت که روابط آنها چندان دوستانه نبوده و پسر ادريس از این ماجرا برکنار نمانده است؛ به ویژه که برخی نظیر اسپناقچی‌پاشازاده او را عامل اصلی حمله سلیم به ایران خوانده‌اند؛^۱ نبردی که به اسارت قاضی‌زاده و کوچ اجباری او انجامید. بر این اساس، با وجود تمام شباهت‌های نثر دو کتاب غزوات و هشت بهشت، شاگردی قاضی‌زاده نزد ادريس بدلیسی قابل تأمل به نظر می‌رسد.^۲

۳- گرایش‌های شیعی قاضی‌زاده در غزوات سلطان سلیم‌خان

در کتاب قاضی‌زاده بارها به آیات قرآنی و احادیث نبوی استناد شده است؛ گاه آیه‌ای کامل و گاه بخش‌های کوتاهی از آیات. البته در نسخه موجود اشتباهاتی در ضبط آیات به چشم می‌خورد (برای نمونه: نک. قاضی‌زاده، ش ۰۰۸۲۵، گ ۴۵ ب). همچنین، گرچه بارها در میان مطالب یا در ختم هر مبحث، بر پیامبر اسلام (ص) درود فرستاده، اما هیچ حدیثی به صراحت به آن حضرت منسوب نشده و نامی از هیچ یک از صحابه و سلسله راویان احادیث نبرده است. از جمله، حتی یک بار هم سخنی از سه خلیفه نخست به میان نیاورده است. آنچه در خصوص گرایش‌های شیعی او می‌توان دریافت، به اخبار مربوط به صفویان مربوط می‌شود.

۳-۱. صفویان شیعی مذهب در در غزوات سلطان سلیم‌خان

قاضی‌زاده به عنوان کاتب و شاعر، در چالدران شاه اسماعیل صفوی را همراهی می‌کرد و به همین سبب، در آن نبرد اسیر شد. با اینکه در کتاب قاضی‌زاده غالباً از ایرانیان به نیکویی یاد شده، اما در خصوص صفویان وضع تا حدی متفاوت است: در غزوات سلطان سلیم‌خان، صفویان در دو شکل کلی توجه به شاه اسماعیل صفوی و توجه به فرماندهان و نیروهای صفوی دیده می‌شود. این اثر برای حکومت و به نام سلطانی نوشته می‌شد که از دشمنان پرکینه صفویان بود، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که مؤلف به فرمانروایان صفوی روی خوش نشان دهد. همان هنگام که سلطان سلیم عازم تسخیر مصر و شام بود (۹۲۲ تا ۹۲۳ق)، نبردهای عثمانی و صفوی در مناطق کردی جریان داشت. از این

۱. «یکی بل، عمده محرکین سلطان عثمانی بر ضد شاه اسماعیل این شخص بود» (اسپناقچی‌پاشازاده، ۴۹).

۲. مستقیم‌زاده، او را شاگرد ادريس بدلیسی خوانده است (۳۶۹).

رو، قاضی‌زاده در اشاره به شاه اسماعیل صفوی، چنین تعبیری به کار برده است: والی عجم (برای نمونه: قاضی‌زاده، همان، گ ۱۴ الف و گ ۳۵ ب)، والی مظالم اعجام (همان، گ ۵ ب)، والی شراره نژاد عجم (همان، گ ۳۱ الف)، والی ظلمت ارکان آن جوانب (همان، گ ۴۸ الف)، والی ظلمت ارکان اعجام (همان، گ ۱۹۳ الف)، والی اعجام (همان، گ ۲۱۷ ب)، والی ایران (همان، گ ۲۳۳ ب)، والی مظالم اعاجمه (همان، گ ۵ ب)، الصوفی (همان، گ ۹۹ ب)، ارباب غفلت و طغیان (همان، گ ۱۰ الف)، والی عجم ویران و متولی امور جمهور ایران (همان، گ ۲۱۵ الف) و والی طغیان و عصیان (همان، گ ۲۳۲ ب) و شاه ایران (همان، گ ۲۱۸ ب). نیز برخی فرماندهان صفوی نظیر قراخان که مقارن حمله به مصر با نیروهای عثمانی حاضر در مناطق کردی در جنگ و گریز بود، با ذم و طعن توصیف شده‌اند. از این میان می‌توان به توصیف چگونگی ذکر فتح دیاربکر و قتل قراخان اشاره کرد: «... محمدخان استاجلو که در محاربه چالدران با سایر اخوان به دست انصار دولت و اعوان حضرت طعمه نهنگ تفک گشته، خاک ناپاک وجودش به آتش قهر بر باد فنا رفته بود و سرش که سر فتنه دوران و ثمره خبیثه زمان بود، به دستیاری قضا، پایمال سناک ستور عسکر منصور گشته... [قراخان] با دل سیاه و سینه کینه خواه...» (همان، گ ۳۵ ب) و در ادامه، قراخان را «سرهنگ ارباب طغیان و عصیان و انگشت نمای همگنان و بلای سیاه زمان» خوانده است (همان، گ ۳۶ ب). در خصوص قزلباشان نیز چنین تعبیری به کار رفته است: «آثار ظلمت ایثار طایفه قزلباشیه» (همان، گ ۱۵ الف)، «طایفه قزلباشیه» (همان، گ ۳۰ الف)، «افعال تارده عدوان اعداء قزلباشیه خذلهم الله» (همان، گ ۴۹ ب) و «قزلباش ... آن طایفه اوباش» (همان، گ ۱۷۲ الف).

در نگاه نخست این تعبیر ناپسند و موهن به نظر می‌رسد و حاکی از دشمنی مؤلف غزوات سلطان سلیم‌خان با صفویان است، اما در مقایسه با تعبیر مورخ معاصر و ایرانی وی، یعنی ادریس بدلیسی^۱ در سلیم شاهنامه، که از حیث نگارش و تعبیر به این اثر قرابت بسیار دارد، می‌توان نگرش قاضی‌زاده را بهتر تحلیل کرد. ادریس بدلیسی در سلیم‌شاهنامه از شاه اسماعیل صفوی و اتباع صفویه با چنین تعبیری یاد کرده است: «شاه گمراه قزلباش دلخراش» (بدلیسی، ۵۴، ۹۳) و «دارای عجم شاه اسماعیل ملالت

۱. نخبه ایرانی از دیوانسالاران آق‌قویونلوها که پس از قدرت‌گیری شاه اسماعیل، به قلمرو عثمانی مهاجرت کرد و در دربار بایزید دوم و سلیم اول به مناصب عالی‌رتبه دیوانی دست یافت و در جنگ چالدران و قایع پس از آن نیز حضور فعال داشت. او در سال ۹۲۰ق درگذشت (نک. بابائی، ۸۵-۸۶).

مأل» (همان، ۱۰۶)، «خارجیان ملحد» (همان، ۵۵)، «ملاحظه قزلباش» (همان، ۶۷)، «صوفی‌نامان کافر دل‌اوباش» (همان، ۹۰)، «قوم فُجَّار مردم آزار» (همان، ۹۱)، «طایفه طاعیه طاقیه سرخ» (همانجا)، «صوفیان به مسلک مسکر مخموری» (همان، ۹۲)، «قوم حامل» (همانجا)، «طایفه مفسد و قوم ملحد» (همان، ۹۳)، «ملاحظه فجار» (همان، ۹۴)، «رفضه و ارباب الحد» (همان، ۱۰۰)، «قزلباش الحد آیین» (همان، ۱۰۲)، «حشر سپاه تباه بیراه» (همان، ۱۴۱)، «ملاحظه ملاعین» (همان، ۱۴۶)، «اهل ضلال» (همان، ۱۸۷) و «مفسد خونخوار مردم آزار» (همان، ۵۴). ملاحظه می‌شود که این تعابیر کاملاً مذهبی و دینی است و اتهام الحد در آن پر رنگ است. او لقب «شاه» را جز با صفت «گمراه» برای شاه اسماعیل صفوی به کار نبرده و برعکس، سلیم اول را شاه خطاب کرده است (نک. بابائی، ۲۲۷).

با مقایسه عناوین و تعابیر قاضی‌زاده و بدلیسی می‌توان دریافت که تعابیر قاضی‌زاده تا حد قابل توجهی در توصیف دشمنی معمولی است. چنانکه ترکیب «شاه ایران» در اثر قاضی‌زاده، هرگز در منابع عثمانی برای شاه اسماعیل صفوی به کار برده نمی‌شد، مگر با صفت‌های توهین‌آمیز و معمولاً تعابیر و القاب دیگری به کار می‌رفت، مانند «والی». همچنین، تعابیر قاضی‌زاده هرگز رنگ مذهبی و ضد شیعی ندارد؛ در حالی که انتساب صفویان به فساد و رفض و الحد از تعابیر متداول در آثار تاریخی این دوره از جمله سلیم شاهنامه بود. اتهام «الحد» در اثر قاضی‌زاده تنها ۳ بار و در اشاره به اسماعیلیان شام به کار رفته است (قاضی‌زاده، همان، گ ۴۷ الف و گ ۴۸ ب). قاضی‌زاده برخلاف مورخان هم‌عصر خود در قلمرو عثمانی، هرگز صفویان را «رافضی» نخوانده و هرگز واژه «شیعه» را که در این زمان با سجع «شنیعه» می‌آمد،^۱ به کار نبرده است. نکته قابل توجه در این زمینه اینکه، به گزارش نجم الدین غزی، سبب عصیان احمدپاشا^۲ ارتباط با شاه اسماعیل صفوی با وساطت قاضی‌زاده بود و کوشش برای بر سر نهادن تاج صفوی، قتل اهل سنت و تصاحب اموال آنان و رواج عقیده اثنی عشری (نجم الدین غزی، ۱۶۰/۱).

۲-۳. قاضی‌زاده و توجه به احادیث و اشعار منسوب به امام علی (ع)

قاضی‌زاده، به مناسبت و لابه‌لای وقایع تاریخی، احادیثی از امام علی (ع) آورده است که می‌تواند حاکی از ارادت او به آن حضرت و آشنایی با سخنان ایشان باشد. از جمله در

۱. برای نمونه: «بدع شنیعه متشبهت به اذیال غلاه شیعه» (بدلیسی، ۹۲).

۲. نائب و حاکم مصر از سوی سلیمان قانونی.

ذکر وقایع مربوط به تصرف حلب، در اشاره به اعلام عفو مردم آنجا از سوی سلطان سلیم عثمانی، به حکمتی منقول از آن حضرت استناد کرده است: «العفو زکات الظفر»^۱ (قاضی‌زاده، همان، گ ۷۷ ب). نیز در گزارش زیارت مزار حضرت ابراهیم (ع)، پیش از حرکت سلیم به سوی مصر، به این سخن مولا علی (ع) اشاره کرده است: «تمام المعروف خیر من ابتدائه»^۲ (همان، گ ۱۲۱ الف). قاضی‌زاده در بیان اخبار درگیری سلطان سلیم اول و طومان بای، ضمن اشاره به درخواست صلح طومان بای، از زبان او به این کلام حضرت استناد کرده است: «إذا قدرت علی عدوک فاجعل العفو عنه شکرًا له»^۳ (همان، گ ۱۶۲ الف). گفتنی است که استناد به این کلام، از آن شخص قاضی‌زاده است و در نامه‌ای که طومان بای برای سلیم فرستاد، نیست. قاضی‌زاده در بیان قتل یونس پاشا وزیر اعظم در سال ۹۲۳ق به دست سلیم یاووز نیز، کلامی از امام علی (ع) آورده است: «من فعل ما شاء لقی ما ساء»^۴ (همان، گ ۱۹۶ الف).

علاوه بر این، قاضی‌زاده ۳ بار در ذکر همین کلمات و حکم، از امام علی (ع) نام برده است. نخستین بار هنگام اشاره به مشاوره سلطان سلیم اول با ارکان حکومت خود برای حمله به قاهره و ضمن ذکر کلامی از آن حضرت: «... کلام فصاحت نظام امیرالمؤمنین و یعسوب الدین، التجدد القمقام، الباسل المقدم، السیف الصمصام، المتصدی لیث المکارم و الصلات، المتصدق بخاتمه فی الصلوه، الغالب علی الغالب علی بن ابی طالب کرم الله وجهه، لاصواب مع ترک المشوره^۵ و نعم الموازیه المشاوره^۶، قدوه ساخته، به انصار دولت و اعوان حضرت در این باب مشورت نمودند» (قاضی‌زاده، همان، گ ۱۱۱ الف). این تعبیر در وصف امام علی (ع) در لشکر یکی از شیعه ستیزترین سلاطین تاریخ، می‌تواند گواه محکمی بر تشیع مؤلف باشد. قاضی‌زاده همچنین، در توصیف نبرد سنان پاشا سپهسالار عثمانی با جانبردی غزالی، سردار مالیک، که به کشته شدن سنان پاشا انجامید،

۱. امام علی (ع): العفو زکاه الظفر (آمدی تمیمی، ۳۱).

۲. امام علی (ع): اتمام المعروف خیر من ابتدائه (آمدی تمیمی، ۳۱۲). همچنین به صورت «اکمال المعروف أحسن من ابتدائه» نیز آمده است (آمدی تمیمی، ۱۰۴).

۳. حدیث از امام علی (ع): إِذَا قَدَرْتَ عَلَيَّ عَدُوَّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ (شریف رضی، ۴۷۰)

۴. حدیث از امام علی (ع) (آمدی تمیمی، ۵۹۳).

۵. حدیث از امام علی (ع) (آمدی تمیمی، ۷۶۹).

۶. نعم المظاهرة المشاوره (آمدی تمیمی، ۷۱۵). این حدیث به شکل «نعم الاستظهار المشاوره» نیز آمده

است (آمدی تمیمی، ۷۱۷؛ لیشی واسطی، ۴۹۳).

به شجاعت و کوشش‌های بی‌باکانه سنان پاشا با استناد به کلامی از امیرمؤمنان (ع) آورده است: «...حضرت مشارالیه کلمه طیبه حضرت اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام، و الذی نفس علی بن ابی طالب بید قدرته لآلف ضربه علی اهنون من میتة علی الفراه،^۱ مطمح نظر ساخته، کوشش‌ها می‌نمود...» (قاضی‌زاده، همان، گ ۱۴۳ الف). او در بیان کشته شدن انبوهی از چرکس‌های مملوک در نزدیکی قاهره، ضمن اشاره به بی وفایی دنیا، به این کلام مولا علی (ع) استناد کرده است: «الدنيا غرورٌ حائلٌ و ظلٌّ زائلٌ و ضوءٌ آفلٌ و سناءٌ مائلٌ»^۲، اما از روی تقیه، تنها به لقب حضرت و جمله دعائیه خاص غیر شیعی بسنده کرده است: «قال المرتضی کرم الله وجهه» (همان، گ ۱۶۹ الف).

قاضی‌زاده، علاوه بر استناد به کلمات و حکم امام علی (ع)، به اشعار منسوب به ایشان هم توجه داشته است؛ از جمله پس از بیان خبر مرگ قانصوه غوری در نبرد مرج دابق: «وجه مناسب این مقام است کلام بلاغت نظام حضرت مولانا السید الامام آدم الاولیاء، سراج التوحید و الاصفیاء، القايم بالنقل و الفرض و العالم بطرق السموات اکثر من الارض ذی الکشف الجلی و المقام الذی کاسمه علی علیه و ذویه و صاحبته و بنیه تحیه مددها دایم الافصال باقی الاتصال فی الغدو و الاصل و هو هذا سل الخلیفه اذ وافت منیته / این الجنود و این الخیل و الخول / این الكنوز الّتی کانت مفاتحها / تنوء بالعصبة المقویین لو حملوا / این العبید الّتی اصدتہم عدداً / این الحديد و این البيض و الأسل / این الکفات ألم یکفوا خلیفتہم / لما رآوه صریعاً و هو یبتهل / این الکماه الّتی ماجو لما غضبوا / این الحماء الّتی تحمی بها الدول / این الرماه ألم تمنع بأسهمهم / لما آتکت سهام الموت تنتصل / هیهات ما منعوا ضیماً و لا دفعوا / عنک المنیة اذ وافی بک الاجل» (قاضی‌زاده، همان، گ ۷۱ الف-گ ۷۱ ب؛ نیز نک: دیوان امام علی (ع)، ۴۲۶ و ۴۲۸). او در توصیف جریان نبرد با سپاه ممالیک مصر نیز به ابیاتی امام علی (ع) استناد کرده است: «السیف و الخنجر ریحائنا / أف علی النرجس و الاس / شرابنا من دم أعدائنا / و کاسنا جمجمه الرأس» (قاضی‌زاده، همان، گ ۷۲ ب؛ نیز نک: دیوان امام علی (ع)، ۳۲۲ و ۳۲۴). قاضی‌زاده همچنین در توصیف و مدح کمال پاشا زاده، مورخ و شیخ الاسلام مشهور عثمانی نیز ابیاتی از امام علی (ع) آورده است: «إن المکارم أخلاق مطهره / فالذین

۱. «... إن أكرم الموت القتل و الذی نفس ابن ابی طالب بیده لآلف ضربه بالسیف اهنون علی من میتة علی الفراه فی غیر طاعه الله...» (نهج البلاغه، ۱۸۰).

۲. «إنها غرور حائل، و ضوء آفل، و ظل زائل، و سناء مائل» (نهج البلاغه، ۱۴).

أُولَئِهَا وَالْعَقْلُ ثَانِيهَا / وَالْعِلْمُ ثَالِثُهَا وَالْحِلْمُ رَابِعُهَا / وَالْجُودُ خَامِسُهَا وَ الْفَضْلُ بَاقِيهَا^۱ (همان، گ ۸۰ ب). سرانجام در گزارش انتصاب سنان‌پاشای وزیر اعظم به سپهسالاری و دست‌بوسی سلطان (همان، گ ۸۳ ب)، از زبان او چنین نوشته است: «... و سپهسالار مشارالیه بعد از استجازه، شرایط زمین‌بوس و وداع به تقدیم رسانیده، فرمودند: أَنَا الصَّقْرُ الَّذِي حَدَّثَتْ عَنْهُ / عِتَاقُ الطَّيْرِ تَنْجِدُ أَنْجِلًا / وَ قَاسِيَةُ الحُرُوبِ أَنَا ابْنُ سَبْعٍ / فَلَمَّا شَبِتُ أَفْنَيْتُ الرَّجَالَ / فَلِمَ تَدَعِ السِّيُوفُ لَنَا عِدْوًا / وَ لِمَ تَدَعِ السَّخَاءُ لَدَى مَالَا» (دیوان امام علی (ع)، ۴۶۴).

از نشانه‌های دیگری که از آن می‌توان به گرایش‌های شیعی قاضی‌زاده پی برد، اشاره مکرر به «ذوالفقار» شمشیر امام‌علی (ع) است. او در خصوص قشلاق کردن سلیم در دمشق، نوشته است: «... لباس نیلگون سیه‌فام خلافت عتیق اموی را به ضیاء خلعت جدید بیضاء عثمانی، مبدل گردانید و به ذوالفقار عساکر کرار غیر فرار آفتاب عالمتاب سپاهی، سیاهی شام را در آن واحد تار و مار ساخت» (قاضی‌زاده، همان، گ ۲۲۲ الف). میان «خلافت»، «اموی»، «ذوالفقار»، «عساکر کرار» و تار و مار کردن «سیاهی شام»، مراعات نظیر معناداری به نظر می‌رسد. نیز در وصف صبح قشلاق در البستان^۲ پیش از حمله به شام، آورده است: «سنا ذوالفقار عسکر صباح خفایه خزاین شام را سالب و سایب گشته بود» و در ادامه با بیتی از خود، توصیف را اینچنین تکمیل کرده است: «چون برکشید دست سحر تیغ ذوالفقار / شد لشکر شبه صفت شام تار و مار» (همان، گ ۴۲ ب). نیز بیتی از شمس‌الدین طوسی آورده است که در آن باز هم تعبیر ذوالفقار حیدری آمده است: «ز خاری کز درخت ظلم روید-چه نقصان ذوالفقار حیدری را»^۳ (همان، گ ۳۶ الف).

نشانه دیگر حاکی از گرایش‌های شیعی قاضی‌زاده، تشبیه وقایع عصر خود به رویدادهای مشهور تاریخ است که برای شیعیان اهمیت خاص دارد. قاضی‌زاده در بیان قتل دو سفیر سلیم یاووز (مصلح‌الدین آقا و ابن شحنه) به دست طومان بای آورده است:

۱. إن المكارم أخلاق مطهره / فَالذَّيْنِ أُولَئِهَا وَالْعَقْلُ ثَانِيهَا / وَالْعِلْمُ ثَالِثُهَا وَالْحِلْمُ رَابِعُهَا / وَالْجُودُ خَامِسُهَا وَ الْفَضْلُ سَادِيهَا / وَالْبِرُّ سَابِعُهَا وَالصَّبْرُ ثَامِنُهَا / وَالشُّكْرُ تَاسِعُهَا وَاللِّينُ بَاقِيهَا / وَالنَّفْسُ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَصَادِقُهَا / وَلَسْتُ أُرْشِدُ إِلَّا حِينَ أُعْصِيهَا (دیوان امام علی (ع)، ۶۲۸).

۲. شهری در شمال غربی عین تاب و غرب ملطیه در استان قهرمان مرعش ترکیه.

۳. شعر از قاضی شمس‌الدین طوسی (م ۲۷۳ق). ز گردی کز هوای کفر خیزد / چه زحمت موکب پیغمبری را / ز خاری کز درخت شرک روید / چه نقصان ذوالفقار حیدری را (آذربیکدلی، ۷۰/۱).

«... صفحه تیغ زمرد نمون را از خون لعل‌گون ایشان چون گونه شهیدان دشت کربلا گلگون ساختند و ریگ بیابان سعید را از اراقه دماء آن سعید شهید مانند فُتات یاقوت رنگین گردانیدند و سر ابن شحنه و رفیق او جهت حکومت مصر به اقتدا و تأسی والی شام شامت مرام همچو زبانه شمع حیات غلامان پادشاه کشور لا تخف ابن الشحنة نجف سلام الله علیه و علیه السلام به مقرض فنا برداشتند و سنت سنیة یزید پلید را علیه لعین الله تتری، هل من مزید گویان، تجدید و تحدید نمودند» (قاضی‌زاده، همان، گ ۱۶۴ الف). نیز توصیف خشکی راه را چنین وصف کرده است: «... چه آب در این منازل همچو آب دشت کربلا نایاب و التهاب نیران مانند حرارت جگر شهیدان پر تاب بود» (همان، گ ۱۹۴ الف). همچنین در گزارش رسیدن ایلچی شاه اسماعیل به شام نزد سلیم اول، اشاره او به مسیر حرکت این ایلچی و گذر از کربلا به این صورت آمده است: «... با زمره [ای] از بریه از راه بریه که میانه ارض مقدسه شام و مشهد مقدس حایریه کربلا که مدفن سید شباب اهل جنت، مظلوم شهیدان ابن الرسول الله حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیه و علیهما السلام، واقع است، بغته به پایه سریر خلافت مصیر شام رسید» (همان، گ ۲۱۸ الف).

نتیجه

در عصر سلطان سلیم اول عثمانی، تقابل عثمانیان با ایرانیان شیعی به جنگ چالدران منتهی شد. در پیامد این نبرد، شمارچشمگیری از نخبگان ایرانی، که برخی از آنان از اقبال بلند خویش جان به در برده بودند، به قلمرو عثمانی کوچانده شدند. از آن جمله، قاضی‌زاده اردبیلی که در تألیف *غزوات سلطان سلیم‌خان*، علائق ایرانی و شیعی خویش را آشکار کرد. گرچه او یکی از سلیم‌نامه‌نویسان عثمانی است و سلطان ضد شیعی و ضد ایرانی عثمانی او را به امر تاریخ نویسی گمارد، اما به نحو زیرکانه‌ای گرایش‌های خود را که قطعاً مطلوب سلطان نبود، در اثر خود بازتاب داد. این گرایش‌ها در دو بخش ایران‌دوستی و شیعی و به اشکال مختلف در نگارش تاریخ فتح مصر و شام گنجانده شده است. گرایش‌های ایرانی او در نحوه و میزان اشاره به ایران سرزمین ایران بازتاب یافته است؛ چندان که میزان اشاره او به نام ایران و مشابه آن، نسبت به عثمانی (شامل همه مشتقات و مترادفات) حدود چهار برابر است. قاضی‌زاده در معرفی یا نام بردن از ایرانیان، ترکیبات بلیغ و تعابیر و توضیحات زیبا به کار برده است، اما برای بسیاری از مشاهیر

عثمانی مذکور در این اثر، چنین توصیفات دیده نمی‌شود. گرایش‌های شیعی قاضی‌زاده نیز قابل ملاحظه است. گرچه تعابیر او در باب صفویان شیعی مذهب که بیشتر ولی نعمت او بودند، قدح و ذم است و این موضوع با توجه به اینکه او تاریخ نویس سلطانی ضد شیعی و ضد صفوی بود، معقول به نظر می‌رسد، برخلاف تاریخ‌نویسان معاصر خود که به سلیم‌نامه‌نویسی روی آورده بودند (مانند بدلیسی در سلیم‌شاهنامه)، هرگز صفویان را به رفض و الحاد متهم نکرده است. در جریان شورش که به قتل قاضی‌زاده انجامید، او به حمایت و تابعیت از صفویان متهم شده بود. نکته دیگری که حاکی از گرایش‌های شیعی قاضی‌زاده است، استناد مکرر او به کلمات و حکم و اشعار امام علی(ع) در لابه‌لای گزارش‌هاست. تعابیر و توصیفات قاضی‌زاده در حق امام علی(ع) نیز مؤید تشیع اوست.

منابع

- ابن‌عماد حنبلی، شهاب‌الدین، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، حقه و علق علیه محمود الارناووط، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.*
- ادائی شیرازی، محمد، *سلیم‌نامه ادائی شیرازی (شاهنامه سلیم‌خانی)*، به کوشش دکتر عبدالسلام بیلگن، آنکارا: انتشارات بنیاد تاریخ ترک، ۲۰۰۷.
- اسپناچچی‌پاشا‌زاده، محمد عارف، *انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام*، به کوشش رسول جعفریان، قم: دلیل، ۱۳۷۹ش.
- اوزجان، عبدالقادر، «تاریخ‌نگاری در دوره سلیمان قانونی»، در *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، ترجمه و تدوین: نصرالله صالحی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۱.
- آذربیدلی، لطفی بیگ، *آتشکده آذر*، به کوشش سیدجعفر شهیدی، [تهران]: موسسه نشر کتاب (افست محمدعلی علمی)، ۱۳۳۷.
- آمدی تمیمی، ابوالفتح عبدالواحد، *اکمال غررالحکم*، به کوشش مهدی انصاری قمی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۴.
- همو، *غررالحکم و درر الکلم*، به کوشش مهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
- بابائی، طاهر، «نقش‌نخبگان حکومتی ایرانی در قلمرو عثمانی در دوره سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ق) و سلیمان قانونی (حک: ۹۲۶-۹۷۳ق)»، رساله دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- بدلیسی، ادریس، *سلیم‌شاهنامه*، به اهتمام حجابی قیرلانقیج (رساله دکتری در انستیتوی علوم اجتماعی)، آنکارا: دانشگاه آنکارا، ۱۹۹۵.
- بروسه‌لی، محمد طاهر، *عثمانلی مؤلفری*، استانبول: مطبعه عامره، ۱۳۳۳ق.

بغدادی، اسماعیل باشا، *ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، به کوشش محمد شرف‌الدین یالتقایا و المعلم رفعت بیلکه الکیسی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۲ق/ ۱۹۸۲م. پچوی، ابراهیم، *تاریخ پچوی*، استانبول: مطبوعه عامره، ۱۲۸۳ق.

تربیت، محمدعلی، *دانشمندان آذربایجان*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی، ۱۳۷۸. ثریا، محمد، *سجل عثمانی یا خود تذکره مشاهیر عثمانی*، [استانبول]: مطبوعه عامره، ۱۳۰۸ق، ۱۳۱۱ق.

حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۲ق/ ۱۹۸۲م.

حکیم‌شاه، محمد بن مبارک [محمد قزوینی]، *بخش افزوده به ترجمه مجالس النفاثس*، (نویسی، امیرعلیشیر، *تذکره مجالس النفاثس*) (ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی)، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: نشر منوچهری، ۱۳۶۳).

خواجه سعدالدین افندی، محمد، *تاج‌التواریخ*، [استانبول]: طبعخانه عامره، ۱۲۷۹-۱۲۸۰ق. همو، *سلیم‌نامه* (ضمن *تاج‌التواریخ*، ج ۲، صص ۶۰۲-۶۱۹)، [استانبول]: طبعخانه عامره، ۱۲۸۰ق. دیوان امام علی علیه السلام، *سروده‌های منسوب به آن حضرت*، گردآورنده و مؤلف قطب الدین ابوالحسن محمد بن حسین بن حسن بیهقی نیشابوری کیدری، تصحیح و ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۵.

ریاحی، محمدمین، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰. سلیمان‌زاده، علی‌رضا، «*سلیم‌نامه ادائی شیرازی* (شاهنامه سلیم‌خانی)»، *کتاب ماه ادبیات*، ش ۱۶۷، شهریور ۱۳۹۰.

سهی‌بک، ادرنه‌لی سهی، *تذکره سهی* (هشت بهشت)، چاپ محمد شکری، در سعادت [استانبول]: مطبوعه آمدی، ۱۳۲۵ق.

صولاق‌زاده، محمدهدمی‌چلبی، *صولاق‌زاده تاریخی*، استانبول: محمودبک مطبوعه‌سی، ۱۲۹۸ق. طاشکیری‌زاده، احمد بن مصطفی، *الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۵ق/ ۱۹۷۵م.

عالی‌افندی، گلیبولولی مصطفی، *کنه‌الاکبار*، چاپ عکس‌برگردان Ali, Gelibolulu Mustafa, *Kühnhü'l- Ahbar, Dördüncü rükn: Osmanlı Tarihi, C.I. Ankara: Türk Tarih Kurumu, 2009.*

عبادی، مهدی، «*مواضع مدرسین عثمانی در قبال مساله تشیع در آناتولی و یورش یاوز سلیم به ایران*»، *تاریخ و فرهنگ*، دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۹۶، صص ۲۷-۵۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵. قاضی‌زاده، کبیر بن اویس اردبیلی، *غزوات سلطان سلیم‌خان*، شماره 00825، کتابخانه سلیمانیه بخش کتابخانه حاجی سلیم آغا.

همو، *ترجمه و فیات الاعیان*، شماره مدرک IR10-18610، شماره رکورد ۱۰۵۳۶۰۸، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

قره‌چلبی‌زاده، عبدالعزیز‌افندی، *روضه‌الابرارالمبین بحقائق الاخبار*، قاهره: مطبعه بولاق، ۱۲۴۸ق.
لطفی‌پاشا، *تواریخ آل عثمان*، چاپ کلیسلی‌معلم رفعت، استانبول: مطبعه عامره، ۱۳۴۱ق.
لیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، به کوشش حسین حسینی بیرجندی، قم:
دارالحديث، ۱۳۷۶ ش.

مستقیم‌زاده، سلیمان سعدالدین‌افندی، *تحفه خطاطین*، استانبول: دولت مطبعه‌سی، ۱۳۴۷.
میرزا حبیب اصفهانی، *تذکره خط و خطاطان بانضمام کلام‌الملوک*، ترجمه رحیم چاوش اکبری،
تهران: نشر مستوفی، ۱۳۶۹.

ناظم‌زاده قمی، سید اصغر، *جلوه‌های حکمت*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
نجم‌الدین غزی، *الکواکب السائره باعیان المئه العاشره*، تحقیق جبرائیل سلیمان جبور، بیروت:
دارالآفاق الجدید، ۱۹۷۹م

نشانچی، محمدپاشا، *تاریخ نشانچی*، [استانبول]: طبعخانه عامره، ۱۲۷۹ق.
نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف، *مخزن الاسرار*، به کوشش حسن وحید دستگردی، طهران:
مطبعه ارمغان، ۱۳۲۰.

نوریلدیز، سارا، «تاریخ‌نگاری عثمانی»، در *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، ترجمه و تدوین:
نصرالله صالحی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۱.
نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴.

